

گفتار هجدهم:

فرجام «خط ترور»

آغاز «خط خروج»

فصل اول:

ترور، بر ضد «مردم»

□ خط ترور «سرانگشتان رژیم»

مسعود رجوی در گزارش جمع‌بندی یک ساله عملیات تروریستی سازمان، مرحله اول استراتژی خود را بی‌آینده کردن نظام جمهوری اسلامی و سلب ثبات آن توصیف کرد و مدعی شد که «ما با موفقیت کامل، آن را پشت سر گذاشتیم».^۱ سپس مرحله دوم را به منظور نابود کردن پایه‌های نظام و به تعبیر وی «تنه سرکوبگر» و «بدنه نظامی»، اینگونه تبیین نمود:

شب و روز و در هر کجا، همه ما و همه مردم، به هر ترتیب و به هر قیمت، باید این خط را پیش ببریم... سرانگشت‌های این رژیم را باید در این مرحله، قطع کرد... تمرکز روی پاسداران ارتجاع، فرمول محوری و راهگشای این مرحله است... بسیار خوب، هدف، جلوی شما دارد راه می‌رود...^۲

در چارچوب این استراتژی، چون بدنه نظام جمهوری اسلامی متکی به آحاد مردم شکل گرفته است، بنابراین هر یک از افرادی که حامل نشانه‌ای آشکار از حمایت نظام جمهوری اسلامی بودند، توسط تروریسم سازمان به عنوان پاسدار و سرانگشت رژیم، هدف محسوب می‌شدند.

۱. نشریه اتحادیه انجمن‌های...، ش ۵۲: ص ۳۵.

۲. همان: ص ۴۰.

چنانکه از اظهارات و اعترافات یکی از فرماندهان تیم‌های تروریستی سازمان برمی‌آید،^۱ سازمان اهداف زیر را در فاز ترور مردم حزب‌اللهی و نیروهای عادی و رده پایین نهادهای جمهوری اسلامی - و به تعبیر سازمان «سرانگشتان رژیم» - دنبال می‌کرده است:

هدف اول - ایجاد حصار و جوّ عملیاتی به منظور حفظ نیروهای سازمان و مشغول نمودن و پراکنده ساختن نیروهای نظام.

هدف دوم - ایجاد رعب و وحشت در مردم و خارج نمودن مکانیکی آنان از صحنه حمایت آشکار از نظام، به زور اسلحه.

هدف سوم - انتقام‌گیری از ضربه‌های متعدد، بخصوص ضربات زمستان ۶۰ و بهار ۶۱ که به دلیل همکاری وسیع توده‌های مردم امکان‌پذیر شد. سازمان تلویحاً پذیرفته بود که علت اصلی ضربات وارده، همکاری اقشار مختلف مردم در مقابله با تروریسم بوده است.

... در تشکیلات به ما می‌گفتند که ما باید انتقام اینها را بگیریم و نباید ساده بگذریم.^۲

هدف چهارم - طرح مجدد حضور فعال سازمان در جامعه و قدرت‌نمایی در داخل و خارج کشور.

... به این صورت که برای مردم این طور مطرح کند که هنوز سازمان هست و اگر خیابانی و ضابطی و صدها نفر دیگر ... رفتند، سازمان هنوز باقی است. برای همین هم بود که گفته بودند عملیات باید بازتاب اجتماعی داشته باشد؛ یعنی حتماً ترور با آتش زدن و انفجار همراه باشد.^۳

در جهت تحقق خطّ «زدن سرانگشتان رژیم» که در واقع مصداق کامل «تروریسم ضد‌مردمی» بود،

مهم‌ترین رهنمودهای عملیاتی به واحدهای ترور از این قرار بوده‌اند:

۱. مرتضی ناصح‌پور؛ با نام مستعار «علی» در اردیبهشت ۱۳۵۹ به سازمان پیوست و تا قبل از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، عضو تیم‌های تبلیغات و مسئول خدمات در رده «شور» مدرسه بود. پس از این تاریخ، به عضویت تیم‌های شناسایی و عملیاتی درمی‌آید و در مرداد ۱۳۶۱ به عنوان «فرمانده تیم» در واحدهای ویژه نظامی مشغول می‌گردد. وی در دی ماه ۱۳۶۲ دستگیر شد. فهرست ۴۲ مورد عملیاتی تروریستی وی از این قرار است: ۱۵ مورد سرقت مسلحانه موتور، ۵ مورد پرتاب سه راهی و کوکتل به منازل، ۳ مورد پرتاب بمب به مراکز و نهادها، ۸ مورد عملیات انفجار در مراکز عمومی از قبیل مساجد و پل راه‌آهن و خیابان‌ها، ۸ مورد عملیات ترور، و ۳ مورد درگیری مسلحانه. ناصح‌پور، در مجموع ۱۰ نفر را کشته است. رک: کارنامه سیاه...، ج ۴، ص ۲۲. خلاصه پرونده‌ها...: ناصح‌پور، مرتضی.

۲. کارنامه سیاه...، ج ۴: ص ۲۴.

۳. همان.

رهنمود اول - دخالت ندادن عواطف و احساسات در جریان عمل، از قبیل دلسوختگی و مهربانی. وجود این احساسات نشانه حل نشدن فرد در تشکیلات است.

رهنمود دوم - تأکید مطلق بر «اطاعت تشکیلاتی»؛ مطیع محض و تابع دستورات فرمانده بودن و هیچ‌گونه سؤالی را مطرح نکردن:

... نیروهای سازمانی در روی شیوه و چگونگی جنایت آزاد بودند و فکر می‌کردند؛ ولی در مورد کل مطلب و علت و انگیزه انجام آن، حق سؤال نداشتند؛ و به ما گفته بودند که هر کسی سؤال دارد برود و بعد از حل آن بیاید.^۱

رهنمود سوم - داشتن قاطعیت و تسلط در انجام عملیات ترور.

رهنمود چهارم - برداشتن بدون تردید و ملاحظه هرگونه مانع و سدی که جلوی عملیات را بگیرد، مانند زنان، کودکان، افراد مسن و یا هرکس دیگری که در لحظه انجام عملیات به نوعی مزاحمت ایجاد کند.

○ اصرار در افزونی عملیات

در سند زیر، که متن رهنمودهای تشکیلاتی یکی از فرماندهان تیم‌های عملیاتی^۲ به یکی از واحدهای تحت مسئولیت اوست، نکات مهمی مندرج است:

... و اما کارهای دیگری که بایستی در رئوس کارهایت قرار بگیرد و به عنوان مهم‌ترین کارها روی آنها انرژی بگذاری:

۱- مسئله عملیات: همان‌طور که در آخرین دیدار به تو گفتم، ما عقب هستیم؛ از شرایط عقب هستیم؛ و در واقع باید گفت توی باغ نیستید. چرا؟ در جمع‌بندی که ما از چند عملیات شما (شاید ۵ یا ۶ عمل) داشتیم، مشخص می‌شد که کیفیت کار خیلی پایین و بازدهی آن نیز بسیار اندک است... می‌توان کلی کار انجام داد؛ به طور مثال، مسئله رفتن دنبال سوژه و در واقع شناسایی سوژه، از طریق گشت در خیابان‌ها - به طور مشخص سوژه‌های ثابت مثل مغازه، دکه‌دار، پاسبان تک‌نفری، پمپ بنزین... - و چیزهای دیگر که قبلاً به تو گفته بودم؛ حتی مشخص

۱. همان: ص ۲۶.

۲. رضا میرمحمدی با نام مستعار «فرهنگ»، از عوامل «عملیات مهندسی» بود و چنانکه پیش از این گفته شد، در جریان ربودن و شکنجه پاسدار «شهید شاهرخ طهماسبی» مستقیماً شرکت داشته است. رک: جزئیات شکنجه

سه پاسدار، ص ۱۸.

کردن تیپ‌های مرفه برای مصادره پول.

... بنابراین خیلی پیگیر و جدی، بایستی در وهله اول دنبال عمل رفت. بایستی بگویم و دقت کنی که مسئله انجام نشدن عملیات، من بعد به هیچ وجه قابل قبول نبوده و نخواهد بود. همان‌طور که گفتم، سوژه زیاد است و این را خودت نیز می‌دانی. چند سوژه را نیز قبلاً به تو داده بودم. آنچه که من از شما می‌خواهم، تنها عمل است و عمل؛ حتی اگر شده یک صبح تا شب در خیابان باشید، بایستی عمل انجام دهید؛ و اینکه مثلاً رفتید و متوجه شدید مثلاً سوژه نیست، به خانه برنگردید. قبلاً نیز گفته بودم که دست شما برای زدن سوژه‌های مختلف باز است؛ و این پویایی و دینامیزم خود شماست که بایستی این مسئله را محقق سازد. برنامه عملیاتی شما نیز به شکل زیر است:

سه عمل زدن سوژه‌های مختلف در هفته - یک عمل مصادره پول - یک عمل تلفن به خارج کشور و اطلاع دادن اخبار عملیات (مجموعاً ۵ عمل در هفته). فعلاً نیز خودتان در جهت شناسایی سوژه‌های زنده انرژی بگذارید تا من برایتان سوژه مناسب بیآورم. ... تذکر: در زمینه مصادره پول لزومی ندارد سوژه حتماً فالانژ [= تعبیر سازمان برای افراد مذهبی و فعال] باشد؛ می‌توان از افراد معمولی که تقریباً وضع شان خوب است، مثل بنگاه‌های اتومبیل - بعضی از شرکت‌ها - حتی عکاسی‌ها و... و جاهای دیگر که خودت می‌شناسی، مصادره نمایی. اگر فالانژ باشد بهتر است. به امید موفقیت.^۱

□ نمونه‌هایی از ترورها

نمونه‌ای از ترورهای ضد مردمی سازمان در طول سال ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۱ در زیر می‌آید:^۲

محل جنایت	تاریخ جنایت	قربانی جنایت
مسجد روستای گلدشت گیلان	محرم سال ۱۳۶۰	یک روستایی
میدان فلسطین (تهران)	۱۳ مرداد ۱۳۶۰	یک هندوانه‌فروش
میدان پالیزی (تهران)	۵ شهریور ۱۳۶۰	یک آب‌میوه‌فروش
میدان پالیزی (تهران)	۵ شهریور ۱۳۶۰	یک سیگارفروش

۱. کارنامه سیاه...، ج ۳: صص ۲۳۴ - ۲۳۵.

۲. همان: صص ۲۳۶ - ۲۳۷.

محلّ جنایت	تاریخ جنایت	قربانی جنایت
پپیسی کولا (تهران)	۷ شهریور ۱۳۶۰	دونفر نقّاش ساختمان
مدرسه‌ای در مشهد مقدس	۲۷ شهریور ۱۳۶۰	۵ نفر بازدیدکننده یک نمایشگاه عکس و کتاب
خیابان گلستان (تهران)	۳ آذر ۱۳۶۰	یک معلّم دبستان
خیابان دردشت (تهران)	۱۵ آذر ۱۳۶۰	یک نجّار
خیابان گرگان (تهران)	۱۱ دی ۱۳۶۰	یک خشکبارفروش
سرآسیاب دولاب (تهران)	۱۵ دی ۱۳۶۰	یک انباردار شرکت دولتی
خیابان مجیدیه (تهران)	۱۸ بهمن ۱۳۶۰	یک مدیر دبیرستان
میدان بروجردی (تهران)	۱۵ بهمن ۱۳۶۰	یک لبنیاتی
مدرسه شهید باهنر - خیابان آزادی (تهران)	۲۴ بهمن ۱۳۶۰	یک معلّم دبستان
خیابان حشمت‌الدوله (تهران)	۲۴ بهمن ۱۳۶۰	یک نوشابه‌فروش
خیابان پیروزی (تهران)	۱۳ اسفند ۱۳۶۰	یک مدیربانک سپه
تهران پارس (تهران)	۱۵ اسفند ۱۳۶۰	یک کارمند بانک
خیابان زنجان (تهران)	۱۸ اسفند ۱۳۶۰	یک مغازه‌دار
۲۱ متری جی (تهران)	۱۴ فروردین ۱۳۶۱	یک طلافروش
خیابان ستّارخان (تهران)	۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۱	تعدادی معلّم و محصل در مدرسه راهنمایی سپاس
خیابان نواب (تهران)	۲۲ خرداد ۱۳۶۱	یک کارگر
خیابان بهار شیراز (تهران)	۲۵ خرداد ۱۳۶۱	چهار نفر مشتری در یک بنگاه معاملات ملکی
خیابان طالقانی (تهران)	۱۲ تیر ۱۳۶۱	یک زن خانه‌دار
خیابان آریاشهر (تهران)	۱۳ تیر ۱۳۶۱	یک پلاستیک‌فروش
خیابان ولی‌عصر (تهران)	۱۰ مرداد ۱۳۶۱	یک خشکبارفروش
شمس‌آباد (تهران)	۱۶ مرداد ۱۳۶۱	یک صاحب بنگاه معاملات ملکی

محلّ جنایت	تاریخ جنایت	قربانی جنایت
خیابان اسکندری جنوبی (تهران)	۲۲ مرداد ۱۳۶۱	یک کبابی
خیابان شباهنگ (تهران)	۲۴ مرداد ۱۳۶۱	یک الکتریکی
خیابان دامپزشکی (تهران)	۲۵ مرداد ۱۳۶۱	یک کارگر خشکشویی
میدان وحدت اسلامی (تهران)	۲۷ مرداد ۱۳۶۱	یک کفّاش
خیابان شیخ بهایی (تهران)	۲۷ مرداد ۱۳۶۱	یک مغازه‌دار
خیابان‌های آذربایجان و کارون (تهران)	۶ شهریور ۱۳۶۱	هفت نفر از مردم بر اثر ریه رگبارستن مغازلبنیاتی ویکماپیشگاه اتومبیل
خیابان کارون (تهران)	۸ شهریور ۱۳۶۱	یک خواربارفروش
دولت‌آباد (شهری)	۸ شهریور ۱۳۶۱	یک تعمیر کاپو تورسیکلت
خیابان بهبهانی (تهران)	۸ شهریور ۱۳۶۱	یک عطّار
خیابان فرجام (تهران)	۹ شهریور ۱۳۶۱	یک سبزی‌فروش
خیابان مجیدیه (تهران)	۱۰ شهریور ۱۳۶۱	یک پارچه‌فروش
خیابان اندیشه (تهران)	۱۳ شهریور ۱۳۶۱	یک مغازه‌دار
خیابان سعدی (تهران)	۱۵ شهریور ۱۳۶۱	یک گرمابه‌دار
خیابان آریاشهر (تهران)	۱۶ شهریور ۱۳۶۱	یک پارچه‌فروش
خیابان جیحون (تهران)	۲۰ شهریور ۱۳۶۱	یک بقّال
اطراف روستای آزارکی (گیلان)	تابستان ۱۳۶۱	دو نفر چوپان
خیابان دردشت (تهران)	تابستان ۱۳۶۱	یک سمسار



هرانت دینک
سن : ۵۱ سال
جساور ستار



هنری آکسر طرسمانزاده
سن : ۵۰ سال
گساور



نگسرتنگه بهاری
سن : ۵۰ سال
جانوگسای



علی عسکری
سن : ۵۰ سال
چوپیان



محمد باقر میرسی
سن : ۵۰ سال
سسل فروش



محمود انجساری
سن : ۵۱ سال
فرینده لوارم الکتریک



ناگلای آکسی
سن : ۵۰ سال
داسنار



اروالفاسم بهیری
سن : ۵۱ سال
سیاط



محمد علی ماحمدیان
سن : ۵۰ سال
سنگامار سطلات ملکی



اروالفاسم مادیسی
سن : ۵۰ سال
راسده



عسیر بیوسوه
سن : ۵۶ سال
بکمال



ریس القادین بطری عیسا
سن : ۵۲ سال
کارمند بانک



ابوالفضل عوسری
سن : ۵۲ سال
صیوه فسرول



امیر مگسری
سن : ۴۵ سال
دوچرخه ساز



حاکم کاشفی
سن : ۵۴ سال
عیسا



عسیر بیوسوه راده
سن : ۶۰ سال
گناباد



ناهرضا عوسری
سن : ۵۱ سال
کارمند پارکینه



یدالله صادقی
سن : ۵۱ سال
کارمند اوقاف



عسیر عیسا
سن : ۵۴ سال
فرز فسرول



عیسا عفت روش
گناباد